

بحران ژئوپلتیک منطقه غرب آسیا در پسا داعش

محمد سلمان تبارسوته^۱ - مرتضی علویان^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۱۷

چکیده:

داعش جریانی خشونت طلب و تندرو که سودای احیای خلافت اسلامی داشته است. در کوتاه مدت توانست به فتوحات چشمگیری دست یابد و از سوریه به عراق رفته و بخش‌هایی از سرزمین عراق را هم اشغال کند. در نهایت رهبر داعش خود را خلیفه مسلمانان جهان نامید و از همه پیروان ادیان دیگر خواست که از آنها پیروی کنند. کنترل بحران داعش در منطقه تحولات جدیدی را رقم زده است به طوری که بسیاری از کارشناسان معتقدند که در روزهای نه چندان دور با تضعیف قطعی گروهک داعش، دوران پسا داعش در منطقه آغاز خواهد شد. هر چند شکست‌های نظامی داعش توان عملیاتی آنها را محدود ساخته است. به عقیده کارشناسان به محض فراهم شدن شرایط مطلوب دوباره جان تازه‌ای به خود می‌گیرد. اگر چه برخی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای داعش را به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف خود به کار برده و حمایت‌های مالی و لجستیکی فراوانی در طول سال‌های گذشته به این گروه داشته‌اند، اما باید گفت که این گروه وحشت آفرین پدیده‌ای اجتماعی است که بدون ریشه یابی عمیق و صرف برخورد سیاسی می‌تواند در آینده بازیابی مجدد کرده و به شکل خشونت بارتری باز تولید شود. سوال اصلی مقاله اینگونه بیان گردیده که بعد از داعش چه بحران‌های ژئوپلتیکی در منطقه غرب آسیا پدیدار خواهد شد؟ بر همین اساس فرضیه تحقیق اینگونه تبیین گردیده که با توجه به موقعیت برتر ژئوپلتیک منطقه غرب آسیا و تأثیر آن بر اقتصاد جهان، پیامدهای منطقه‌ای باقیمانده از بحران داعش، منجر به تغییرات ژئوپلتیکی غرب آسیا در پساداعش خواهد شد.

واژگان کلیدی: داعش، ژئوپلتیک، غرب آسیا، بحران

^۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران
ms29912991@gmail.com

^۲ - استادیار و عضو هیئت علمی، علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران
M.alavian@umz.ac.ir

بیان مسئله:

محیط جغرافیایی در طول تاریخ همواره تولید کننده فرصت‌ها و محدودیت‌ها برای زندگی انسانها بوده است. محیط انسانها و گروه‌های انسانی همواره سعی می‌کنند فرصت‌ها را در جهت پیشرفت خود مورد استفاده قرار داده و بر محدودیت‌ها غلبه کنند. آشکار است این بعد سیاسی وجود انسان تضمین کننده منافع و بقای حیات او در برابر دیگران است. در این راستا بخشی از علت‌های ظهور بعد سیاسی وجود انسان و گروه‌های متشکل انسانی ناشی از تمایز در اهمیت و پراکندگی نامتناسب مواهب و امتیازهای موجود در محیط‌های جغرافیایی است که سبب شکل‌گیری خصلت سیاسی انسان در شکل تلاش برای زیستن و دفع تهدیدهای خود با اتکا به محیط جغرافیایی شده است. به عبارت بهتر در ذات و ساختار جغرافیای سیاسی جهان ویژگی‌ها و واقعیت‌های عینی نهفته است که به صورت بنیادین منطق رقابت را در بین کشورها و قدرت‌ها رواج می‌دهد. بنابراین با توجه به پراکندگی نامتناسب مواهب و امتیازهای طبیعی و انسانی در سطح جهان تمایز در اهمیت ژئوپلیتیک مکانها و مناطق مختلف جغرافیایی جزء خصوصیات ذاتی کالبد جغرافیایی جهان است و برای پیشبینی رفتار انسانها و گروه‌های متشکل انسانی در درجه اول باید درجه اهمیت مکانها و مناطق مختلف جغرافیایی را مشخص کرد. چرا که در بحث‌های ژئوپلیتیک نقطه کانونی رقابت بر سر امکانها و امتیازهای طبیعی و انسانی موجود در فضای جغرافیایی موجود در آن است تا از پس آن امکان تحصیل قدرت برای حکومت‌ها و سازه‌های ژئوپلیتیک فراهم شود. (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۷)

آشکار است جاذبه تقریباً بی بدیل نظریه‌های ژئوپلیتیک در عرصه روابط بین‌الملل به دلیل نزدیکی آن با فهم متعارف از سیاست بین‌الملل، پیش بینی و آینده نگری از رقابت قدرت‌ها در مناطق پر اهمیت جغرافیایی است، چرا که تسلط بر این مناطق جغرافیایی مهم و کنترل آن توسط دولت می‌تواند به ایجاد قدرت برای آن دولت و به تبع آن تأمین امنیت و داشتن اهرمی علیه رقبا تبدیل شود. (احمدیان و همکار، ۱۳۸۸: ۱۷) بنابراین در دیدگاه ژئوپلیتسین‌ها از آنجائیکه بر عکس سطوح ملی و درون کشوری امکان انحصار قدرت در سطح جهانی در یک هژمون واحد وجود ندارد، به صورت طبیعی و تحت تاثیر از فراوانی منابع قدرت آفرین، رقابت به صورت بنیادین قدرت میان آنها وجود خواهد داشت. (قوام، ۱۳۸۸: ۸۱)

داعش یک تشکل مذهبی انسانی با جریانی خشونت بار که برای دستیابی به اهداف خود در سطح منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، رویکردی نظامی و مسلحانه را پیش گرفته و در کوتاه مدت بخش نسبتاً وسیع از منطقه غرب آسیا را در سلطه خود قرار داد. منطقه‌ای که از نظر مواهب و امتیازهای موجود در سطح بین‌المللی حائز اهمیت بوده و یا به بیان دیگر بعنوان قلب اقتصادی جهان محسوب که به موجب آن، پیامدهای ژئوپلیتیکی در جهان را سبب گردید. کنترل بحران داعش نیز از جمله وقایع بسیار مهم در سطح جهانی تلقی می‌گردد. داعش چندین سال منطقه غرب آسیا و حتی جهان را در وحشت و نگرانی مواجه نموده بود. حال سوالی که در اینجا مطرح می‌شود اینگونه است که آیا با توجه به رسم دیرین این منطقه که از پس هر بحرانی، بحران دیگر پدیدار شده، بعد از داعش این منطقه متحمل بحران جدیدی خواهد گردید؟ برای پاسخ به این سوال می‌بایست شناخت کافی از اهمیت ژئوپلیتیکی منطقه غرب آسیا در اقتصاد جهان حاصل گردد و با در نظر گرفتن پیامدهایی که بحران داعش در طول این چند سال از خود برجای گذاشته، بحران‌های ژئوپلیتیکی منطقه را در پسا داعش تحلیل نمود.

۲- چارچوب نظری تحقیق

۲-۱- مفاهیم

۲-۱-۱- بحران: پیشامدی که بصورت ناگهانی و گاهی فزاینده رخ می‌دهد و به وضعیتی خطرناک و ناپایدار برای فرد، گروه یا جامعه می‌انجامد. بحران باعث بوجود آمدن شرایطی می‌شود که برای برطرف کردن آن نیاز به اقدامات اساسی و فوق‌العاده است. بحران‌ها بر حسب نوع و شدت متفاوتند. بحران یک فشارزایی بزرگ و ویژه است که باعث در هم شکسته شدن انگاره‌های متعارف و واکنش‌های گسترده می‌شود و آسیب‌ها، تهدیدها، خطرها و نیازهای تازه‌ای به وجود می‌آورد.

۲-۱-۲- ژئوپلیتیک: تعاریف متعددی از واژه ژئوپلیتیک از سوی علمای علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و جغرافیا صورت پذیرفته است. گاهی اوقات در بعضی تعاریف، ژئوپلیتیک معادل جغرافیای سیاسی خوانده شده است؛ اما اکثر دانشمندان ژئوپلیتیک قائل به جدایی حوزه‌های ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی هستند. دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان، ژئوپلیتیک یا جغرافیای سیاسی را بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر رفتار دولت‌ها می‌داند؛

اینکه چگونه موقعیت مکانی، اقلیم، منابع طبیعی، جمعیت و یک تکه زمینی که یک دولت روی آن قرار گرفته است، گزینه‌های سیاست خارجی دولت و جایگاه آن را در سلسله مراتب دولت‌ها تعیین می‌کند. (گریفیت، ۱۳۸۸: ۵۷۴) حسین بشیریه موضوع ژئوپلیتیک را مطالعه مبانی جغرافیایی قدرت دولت‌ها می‌داند. نقش ویژگی‌های سرزمین، آب و هوا، منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی، ویژگی‌های جمعیتی و خصوصیات فرهنگی بر شکل و عملکرد نظام سیاسی، مورد بحث این شاخه از دانش سیاسی است. بعلاوه چون هر یک از دولت‌ها بخشی از فضای جغرافیایی- سیاسی جهان را تشکیل می‌دهند، بحث از روابط بین‌الملل از این دیدگاه خاص نیز مطرح می‌شود. (بشریه، ۱۳۸۲: ۵۷) ادموند والش، به عنوان یک دانشمند سیاسی تعریفی بر مبنای عدالت بین‌المللی ارائه داده و معتقد است ژئوپلیتیک، مطالعه مرکب از جغرافیای انسانی و علم سیاسی کاربردی است که تاریخ آن به دوران ارسطو، منتسکیو و کانت بازمی‌گردد. (کوهن، ۱۳۸۷: ۴۲)

۲-۱-۳- منطقه غرب آسیا: آسیای غربی یا باختر آسیا منطقه‌ای در آسیا است که با جنوب خاور اروپا و شمال خاور آفریقا همسایه است. ایران هم به لحاظ این تقسیمات در آسیای غربی واقع شده است. این کلمه اخیراً در ایران به عنوان جایگزینی برای خاور میانه هم بکار برده می‌شود.

۲-۱-۴- داعش: حکومت اسلامی عراق و شام (به عربی: الدولة الإسلامية فی العراق والشام) با نام اختصاری داعش یک گروه ستیزه‌جوی جهادگرای سلفی است که پیروی یک آموزه بنیادگرای وهابی از اسلام سنی است.

این گروه که از ژوئیه ۲۰۱۴ ادعای خلافت جهانی کرده است و خود را حکومت اسلامی (به عربی: الدولة الإسلامية) می‌نامد؛ همچنین بخش‌های بزرگی از شمال عراق و شرق سوریه و بخش‌های کوچکی را در لیبی، نیجریه و افغانستان به تصرف خود درآورد و در ۳۰ آبان ۱۳۹۶ «پایان سیطره» داعش توسط مبادی‌های سیاسی و نظامی رسمی اعلام گردید. (سلمان تبار، ۱۳۹۶: ۲۶۴)

۲-۲- نظریه

رهیافت‌های نظری دانش ژئوپلیتیک همواره بر واقعیت‌های سرزمینی استوار بوده و

رویکرد عقلانی را در مطالعات خود در پیش گرفته است. آشکار است در گذشته همواره یکی از دغدغه‌های فکری اندیشمندان این حوزه شناسایی مناطق مهم جغرافیایی جهان و کوشش برای مدل‌یابی رقابت قدرت‌های جهانی در این حوزه‌های جغرافیایی است. آشکار است مبنای ژئوپلیتیک رقابت قدرت‌های جهانی بی تردید بر سر دستیابی به مواهب و امتیازهای موجود در مناطق مختلف جغرافیای سیاسی جهان شکل گرفته و خواهد گرفت. الگویابی رقابت قدرت‌های جهانی و پیش‌بینی آینده این رقابتها نیازمند شناسایی مناطق راهبردی جهان، ویژگی‌های آنها و معابر جغرافیایی دسترسی به این مناطق است. روشن است با شناسایی شاخص‌ها و ویژگی‌های مناطق مهم و راهبردی جهان امکان پیش‌بینی حوادث و رویدادهای آینده در حوزه روابط بین‌الملل و در سطح کلان فراهم خواهد شد. در این نوشتار، چارچوب نظری رابرت کی‌گن^۱ به کار گرفته شده است. نظم جهانی لیبرال که در دوران پس از جنگ جهانی دوم برپا گردید، در اثر چالش‌های درونی و بیرونی احتمالاً در حال رسیدن به آخر خط است. چالش‌های بیرونی ناشی از جاه‌طلبی قدرت‌های بزرگ و یا متوسطی است که در پی سرنگونی نظم راهبردی موجود به رهبری ایالات متحده و متحدان و شرکایش هستند. کی‌گن معتقد است بزرگترین چالش برهم زنده نظم لیبرالی جهان در حال حاضر روسیه و چین هستند اما چالش نهایی برای نظم جهانی، تلاش داعش و گروه‌های رادیکال اسلام‌گرا برای برپایی خلافت اسلامی در خاورمیانه است.

پدیده داعش که به اسم دین و از طریق تحریف مفاهیم آسمانی آن، در جهت اهداف شیطانی با ارتکاب جنایت‌های متعدد بعنوان تهدید نظم جهانی و منطقه‌ای نمود یافته است. داعش حاصل جمع برداشت متحجرانه و ایدئولوژیک با توان نظامی است و در چند سال اخیر به مدد ساختار چندملیتی خود به آن میزان از توان عملیاتی رسیده بود که در چند نقطه از جهان، عملیات تروریستی سهمگینی را ساماندهی کند. تجلی اعمال و رفتار داعش البته محدود به مکان خاص نبود. داعش «نظم و توازن منطقه‌ای و جهانی» را برهم زده، بازیگران منطقه‌ای را با چالش‌های متعددی مواجه ساخته و از همه مهم‌تر گفتمانی بشدت افراطی و متعصبانه را حاکم کرده است. آنچه که در چند سال اخیر منطقه خاورمیانه با آن مواجه شده

¹ - Robert Kagan

است، چیزی شبیه به جنگ‌های ۳۰ ساله اروپاست. جدالی میان دو نگرش متفاوت از مذهب که همچون جنگ‌های ۳۰ ساله، فرساینده بودن و درهم پیچیدگی را به ارث برده است. خصلت دیگر این وضعیت آن است که پدیده داعش با سرلوحه قراردادن مفهوم خلافت در تضاد آشکار با مفهوم دولت و نظم به تعبیر وستفالی آن است و اصولاً داعش را نه به عنوان یک سازمان غیردولتی که نهادی ضد نظم باید در نظر گرفت. ساختاری که در سایه برهم خوردن نظم منطقه‌ای، راه را برای حضور بازیگران فرامنطقه‌ای باز می‌کند.

۳- بحران‌های ژئوپلیتیکی منطقه غرب آسیا در پساداعش

نظم جهانی لیبرالی موجود که پس از جنگ جهانی دوم از سوی تنها هژمون باقیمانده جهان و متحدانش برقرار گردیده بعد از گذشت زمان و قدرت گرفتن سیاسی برخی از کشور-های قدرتمند در عرصه بین‌الملل و نیز بحران‌های منطقه‌ای همچون ظهور گروهک‌های تروریستی داعش دستخوش تغییرات گردیده است. این بی‌نظمی پیامدهایی را در ژئوپلیتیک منطقه غرب آسیا از خود برجای گذاشته که در راستای فهم درست آن، ابتدا می‌بایست اهمیت ژئوپلیتیک غرب آسیا و تأثیر آن بر جهان مورد بررسی قرار گرفته و بعد از بیان پیامدهای منطقه‌ای بحران داعش، تغییرات ژئوپلیتیکی غرب آسیا در پسا داعش مورد تحلیل قرار گیرد.

۳-۱- اهمیت ژئوپلیتیک غرب آسیا و تأثیر آن بر جهان

غرب آسیا در نقطه‌ای از جهان واقع شده است که علاوه بر ویژگی‌های جغرافیایی منحصر به فرد دارای ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است که به موجب آن در سیاست خارجی قدرت‌های فرامنطقه‌ای و درون منطقه‌ای جایگاه خاصی را دارد. منطقه غرب آسیا از جمله مناطقی محسوب می‌شود که برای دهه‌های متمادی محل تلاقی قدرت‌ها و کشورهای کوچک و بزرگ جهانی بوده است. کشورهایی که با اهداف و منافع مختلف تلاش داشته‌اند تا در این منطقه حضور بادوام و بلندمدت داشته باشند. اما امروز در میانه تحولات و تعاملات جهانی، غرب آسیا در شرایط نوین و تازه‌ای قرار گرفته که اهمیت این منطقه را دوچندان ساخته است. به لحاظ بعد سیاسی می‌توان به این موضوع اشاره کرد که کشورهای جهان با در پیش گرفتن سیاست‌های خاص در مقابل هژمون، به طور کلی به دو دسته چالشگر و همراه تقسیم می‌شوند. غرب آسیا به دلیل اینکه کشورهایی را از هر دو طیف همراه و چالشگر

در بر گرفته است دارای اهمیت سیاسی فوق العاده‌ای در سیاست بین‌الملل است. همچنین برخی نظام‌های سیاسی موجود در این منطقه فاصله زیادی را با توسعه سیاسی دارند. این امر نیز موجب می‌شود ساختار داخلی واحدهای سیاسی در این منطقه آسیب پذیر و شکننده شوند. لذا قدرت‌های برون منطقه‌ای با نفوذ در این واحدها منافع خود را پیش می‌برند. تاکنون دیگران متاثر از تحولات غرب بودند، اما دیگر اینگونه نیست و در این رابطه یک نکته این است که منطقه غرب آسیا یکی از صحنه‌های اصلی شکل‌گیری نظام بین‌المللی آینده است و اگر بخواهیم از نظم جهانی صحبت کنیم نمی‌توانیم بدون توجه به غرب آسیا در خصوص شکل‌گیری نظم جدید بین‌المللی حرفی بزنیم. (ظریف، ۱۳۹۵)

غرب آسیا به لحاظ اقتصادی نیز اهمیت فوق العاده‌ای دارد. این منطقه منبع عظیم انرژی‌های فسیلی در جهان است و عمده کشورهای واقع در این منطقه از تولیدکنندگان بزرگ نفت و گاز در جهان هستند. در نتیجه می‌توان گفت این منطقه قلب تپنده توسعه صنعتی و اقتصادی جهان است. همین موضوع سبب اهمیت آن برای کشورهایی می‌شود که به دنبال توسعه اقتصادی هستند. زیرا به منبع عظیم انرژی در این راه نیازمند هستند که این امر با دسترسی به چنین مناطقی تسهیل می‌شود. با وجود افزایش استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و ظهور تولیدکنندگان جدید نفت و گاز، منابع انرژی موجود در خاورمیانه همچنان برای اقتصاد جهانی حیاتی است. تنگه هرمز، باب‌المندب، و کانال سوئز همگی گذرگاه‌های کلیدی هستند که تجارت جهانی از این گذرگاه‌ها عبور می‌کند. علاوه بر این خاورمیانه مدت‌ها است به عنوان یک منطقه حیاتی برای حمل و نقل دریایی به منظور انجام امور تجاری و بازرگانی بین‌المللی نقش مهمی ایفا می‌کند، و امروزه نیز در زمینه ایجاد ارتباط میان قاره‌های آسیا، آفریقا و اروپا به این نقش مهم خود ادامه می‌دهد و حتی با وجود مشکلات کنونی موجود در خود، این منطقه پتانسیل قابل توجهی برای رشد اقتصادی بلندمدت دارد. برای مثال چندین کشور ثروتمند در منطقه خلیج فارس در حال حرکت به سمت ایجاد تنوع در اقتصاد خود هستند، که این مسئله می‌تواند پتانسیل جدیدی برای رشد اقتصاد و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایجاد کند. (بی‌نا، ۱۳۹۵)

همچنین به لحاظ ژئوپلیتیک فرهنگ و جمعیت نیز غرب آسیا دارای ویژگی‌هایی است که

از جمله آنها می‌توان به مسائل قومی و مذهبی اشاره کرد و اینکه اسلام به عنوان تفکر رقیب در مقابل سرمایه داری غرب در این منطقه رشد و نمو دارد اهمیت این منطقه را دو چندان کرده است. تفکرات اسلامی و غرب ستیزی منطقه غرب آسیا متأثر از انقلاب اسلامی ایران بوده است. با وقوع انقلاب اسلامی این اندیشه در اذهان جهانیان شکل گرفت که انقلاب ایران وابسته به کدام جریان جهانی خواهد بود؟ آیا خط سرمایه‌داری انتخاب شود و یا خط غیر-سرمایه داری و سوسیالیستی؟ (احمدی امویی، ۱۳۸۲: ۱۰) حضرت امام خمینی (ره) در تبیین جهت‌گیری نظام اسلامی در پاسخ به این سؤال بیان داشتند که مکتب اسلامی به هیچ‌کدام یک از تئوری‌های غربی و شرقی وابسته نخواهد بود و به تبع نظام اقتصادی آن نیز مستقل از این دو نظام است. در این زمان منطقه غرب آسیا تحت تأثیر روحيات انقلابی و متأثر از شعار عدالت، مساوات و مبارزه با مظاهر سرمایه‌داری قرار گرفت.

تمام مواردی که به آنها اشاره شد مهر تاییدی بر اهمیت این منطقه به لحاظ ژئوپلیتیکی در سیاست بین‌الملل است. زیرا به لحاظ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ابزار بیشینه‌سازی قدرت را فراهم می‌کند. همین امر سبب شده است که این منطقه دائماً با بحران‌های کوتاه مدت و بلند مدتی روبرو شود و از پس هر بحرانی که رخ می‌دهد بحرانی جدید پدیدار شود. از زمان جنگ‌های اول و دوم خلیج فارس تا شروع بیداری اسلامی و سقوط دولت‌های عربی در مصر، لیبی و تونس هر بحران زمینه پیدایش بحران بعد از خود را فراهم نموده است؛ زیرا پیامد های حاصل از آنها ژئوپلیتیک منطقه را دچار تغییر کرده است. در اینجا باید اشاره کنیم پیدایش داعش و گسترش یکباره این پدیده در منطقه حاصل رسوبات بحران‌های پیشین است.

گروه تروریستی داعش نزدیک به سه سال است که کشورهای این منطقه را به طور مستقیم و غیر مستقیم درگیر خود کرده است. با پیش روی‌هایی که علیه مواضع این گروه تروریستی در عراق و سوریه رخ داد این بحران کم و بیش در حال اتمام است و یا به کنترل در آمده است به گونه‌ای که می‌توان روند آتی آن را پیش بینی نمود. اما پیامدهایی را داشته است که ژئوپلیتیک منطقه را تحت تأثیر قرار داده است و امکان شکل‌گیری بحران‌های جدید را فراهم نموده است.

۲-۳- پیامدهای منطقه‌ای بحران داعش

داعش جریانی خشونت طلب و تندرو که سودای احیای خلافت اسلامی دارد. جریانی که در کوتاه مدت توانست به فتوحات چشمگیری دست یابد و از سوریه به عراق رفته و بخش-هایی از سرزمین عراق را هم اشغال کند. در نهایت رهبر داعش خود را خلیفه مسلمانان جهان نامید و از همه پیروان ادیان دیگر خواست که از آنها پیروی کنند. (عباسی، ۱۳۹۳: ۳)

داعش یکی از انشعابات القاعده و به صورت مشخص‌تر، یکی از انشعابات جبهه النصره است، که شاخه‌ای از القاعده بود و در سوریه فعالیت می‌کرد. سازمان القاعده در اوایل دهه ۱۹۹۰ شکل گرفت و شکل‌گیری‌اش بر اساس تئوری خاص دینی و سیاسی بود. نیروهای القاعده در این دهه تحولات مختلفی را پشت سر گذاشتند: مدتی در سودان بودند، سپس به افغانستان رفتند تا اینکه در سال ۲۰۰۱ حمله یازده سپتامبر شکل گرفت. بعد از سقوط صدام در عراق، القاعده عراق به رهبری زرقاوی تاسیس شد. پس از تحولات کشورهای عربی و شروع جنگ داخلی در سوریه یکی از اصلی‌ترین گروه‌های مخالف که اتفاقاً مسلحانه هم عمل می‌کرد، جریان القاعده بود که نامشان را جبهه النصره گذاشتند. پس از مدتی این جریان هم انشعاب کرده و داعش شکل گرفت. (مسجد جامعی، ۱۳۹۵: ۴۵۶)

ظهور داعش و ریشه‌های شکل‌گیری داعش یکی از رادیکال‌ترین گروه‌های اسلام‌گرا در خاورمیانه است. «دولت اسلامی در عراق و شام» معروف به داعش در آوریل ۲۰۱۳ میلادی (اردیبهشت ۱۳۹۲) به طور رسمی حضور خود را در صحنه درگیری‌های خونین در کشور سوریه اعلام کرد. داعش متشکل از سه چیز است: گروه تروریستی فراملیتی، دولتی بدوی و ایدئولوژی سیاسی با ریشه‌های دینی. این گروه پس از تجاوز آمریکا به عراق، از القاعده منشعب شد و همانند القاعده به اسلام‌گرایان سنی منتسب است. جهاد داعش نه تنها علیه کفار است بلکه شامل شیعیان و صوفی‌ها هم می‌شود، زیرا بر مبنای اندیشه تکفیر معتقدند که آنها مسلمان واقعی نیستند. (Cockburn, 2015.5)

گروه تروریستی داعش هدف اصلی خود را تشکیل امارات اسلامی با اندیشه سلفی در سوریه و عراق می‌داند. اهداف راهبردی داعش عبارتند از: تشکیل خلافت اسلامی با اولویت شامات و گسترش جغرافیایی خلفای عباسی و ریشه‌کنی مذهب تشیع.

پس از حمله امریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ به بهانه مبارزه با تروریسم، شاخه القاعده در عراق به رهبری ابومصعب زرقاوی فعال شد. این گروه بین سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ به شدت ضعیف شد تا اینکه در سال ۲۰۱۰ میلادی موضوع بحران حاکمیت در سوریه پیش آمد و در همین زمان ابوبکر بغدادی رهبر گروه تروریستی شد و با خشونت بیشتر به قتل و غارت مردم پرداخت.

دوران تصدی البغدادی با ناآرامی‌های سوریه در سال ۲۰۱۱ همزمان شد. به این ترتیب او از این فرصت استفاده کرد. تعمیم فعالیت‌ها به سوریه سبب شد که سرنوشت داعش تنها به عراق وابسته نگردد، یعنی اگر داعش در عراق با ناکامی مواجه شده می‌توانست با فعالیت در سوریه به حیات سیاسی و نظامی خود ادامه دهد. از طرف دیگر حضور در سوریه به داعش اجازه می‌داد تا از کمک‌های خارجی دولت‌های مخالف رژیم بشار اسد نظیر عربستان، کویت، قطر و ترکیه بهره مند گردد. حضور در سوریه به داعش کمک می‌کرد تا نیروهای سوری و غیر سوری را که علاقمند به مبارزه با دولت اسد بودند را جذب نماید و به این ترتیب پایه‌های دولت اسلامی عراق و شام را بهبود بخشد.

ورود به عرصه سوریه به بغدادی کمک می‌کرد تا به اهداف ایدئولوژیک داعش یعنی از بین بردن مرزهای استعماری میان کشورهای اسلامی پایان دهد و یک گام مهم به سوی ادغام مبارزه در کشورهای مختلف اسلامی برداشته و به هدف غائی خود مبنی بر تشکیل خلافت واحد اسلامی نزدیک گردد. (یورگن، ۱۳۹۵: ۴۵)

اولین مورد از پیامدهای بحران منطقه‌ای داعش مربوط به اختلال در صادرات نفت از منطقه توسط این گروه تروریستی است. با دستیابی آنها به چاه‌های نفت در عراق و سوریه این ماده استراتژیک از مبادی غیر رسمی در بازار سیاه فروخته شد که در هر دو بعد سیاسی و اقتصادی منطقه را تحت تاثیر قرار داد. دومین پیامد مربوط به تشدید معمای امنیت در این منطقه است. زیرا با شروع این بحران رقابت تسلیحاتی نیز بین کشورهای منطقه به خصوص در جنوب غرب آسیا افزایش یافت تا جایی که قراردادهای میلیاردی در این زمینه با کشورهای غربی امضا شد. سومین موردی که می‌توان اشاره کرد که از نتایج پیامد دوم است صادرات هر چه بیشتر نفت از این منطقه با هدف تامین هزینه‌های هنگفت این رقابت تسلیحاتی است. در

حالی که بازار انرژی با کاهش تقاضا و قیمت پایین نفت روبروست، این میزان از سطح تولید عقلانی نیست. این امر بر ژئوپلیتیک انرژی این منطقه تاثیر نامطلوب داشت زیرا از قدرت اثر-گذاری آن بر بازار انرژی کاست. چهارمین پیامد شکل گیری گروه بندی های منطقه ای است به طوری که دولت ها سعی نمودند در صف بندی های متفاوت با این بحران روبرو شوند که با جنگ های نیابتی همراه شد. آخرین و پنجمین پیامد نیز مربوط به قوت گرفتن هر چه بیشتر تنش های قومی و مذهبی در منطقه است.

تنش حضور داعش در منطقه غرب آسیا به قدری شدید بود که نمی توان به آسانی از کنار آن گذشت. زیرا تاثیرات عمیقی را در معادلات کشورها در منطقه و حتی جهان داشته است پیامدهایی که به آنها اشاره شد موجب تغییراتی در ژئوپلیتیک منطقه خواهد شد و به رسم دیرین تمام بحران ها زمینه پیدایش بحران های جدید فراهم خواهد کرد. بحران هایی که این بار تاثیرات عمیقتر و گسترده تری را خواهد داشت. با توجه به این موضوع می توان پیش بینی هایی را در این زمینه مطرح کرد.

۳-۳- تغییرات ژئوپلیتیک غرب آسیا در پسا داعش

بازگشت غرب آسیا به حالت اولیه پس از بحران داعش تا حدودی ناممکن است. با توجه به این موضوع می توان پیامدهای بحران تغییراتی حاصله را چنین پیش بینی کرد که تغییرات در نظم منطقه اولین موضوع در این رابطه است. این تغییر ناشی از پیامد گروه بندی ها و وقوع جنگ های نیابتی بین دولت ها است. به دلیل اینکه دولت ها طی بحران در رقابت به سر می بردند و سعی داشتند مواضع خود را به پیش ببرند. بعضی از آنها تا جایی موفق شدند و بعضی دیگر در رسیدن به اهداف خود ناکام ماندند به خصوص با مطرح شدن مسئله بازسازی پس از جنگ، رقابت به دوران پسا جنگ کشیده خواهد شد و این فرصت اقتصادی ناگزیر زمینه حضور سیاسی را فراهم خواهد کرد.

کشوری که در این شرایط بتواند به لحاظ اقتصادی قوی ظاهر شود، این توانایی را خواهد داشت که مواضع سیاسی خود را تثبیت نماید. بر این اساس کشور برنده این رقابت اقتصادی منافع خود را به پیش خواهد برد و نظم منطقه را به نفع خود تغییر خواهد داد.

در این میان کشورهایی همچون ایران کنونی با توجه به رسالت جهانی انقلاب اسلامی بیشترین توجه و اهمیت را به تحقق اهداف بین‌المللی داده است. تأثیرپذیر بودن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از ایدئولوژی اسلام این است که شرایط جاری جهانی مورد اعتنا نیست، بلکه هدف توجه کردن به دیدگاه‌ها و معیارهای اسلامی است. مهم‌ترین منبع برای شناخت اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی، قانون اساسی کشور می‌باشد که با توجه به آنچه که در تقدم و اصول آمده است می‌توان اهداف نظام و نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران را که براساس اصول و ضوابط اسلامی تدوین شده است، بشناسیم. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۸: ۳)

انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ بر پایه ایدئولوژی اسلامی - شیعی شکل گرفت و تحقق یافت. بدین اعتبار نگاه انقلاب و به تبع آن قانون اساسی جمهوری اسلامی به محیط بیرونی خود نگاهی توأم با باورهای اسلامی و بالاخص فرهنگ تشیع بوده و با توجه به رسالت جهانی انقلاب اسلامی، بیشترین توجه و اهمیت را به تحقق اهداف بین‌المللی داده است.

مطابق قانون اساسی، نظام جمهوری اسلامی ایران نظامی بر مبنای توحید است. هدف نهایی و غایی آن حرکت به سوی الله است و مسئول است که با ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی، وحدت همه‌جانبه جهان اسلام را تحقق بخشد. (ازغندی، ۱۳۸۹: ۷۴) تأکید جمهوری اسلامی در مواجهه عراق و سوریه با داعش مبتنی بر حفظ تمامیت ارضی دو کشور، تامین منافع ملی حداکثری خود و کاهش افراطی‌گرایی در منطقه است.

واقعیت این است که صرف حضور ایران به عنوان یک کشور بزرگ و نیرومند و نیز به عنوان قطب متحدانش و ترس از گسترش نفوذش، جریان‌های مختلفی در منطقه ایجاد و یا تشدید کرده است. ایران در چارچوب تعاملات با کشورهای دیگر می‌تواند ائتلاف ساز باشد.

«توافق ژنو» و «کاهش تنش در روابط ایران با آمریکا» یکی از کلیدهای اصلی و راهگشا در حل و فصل بحران‌های سوریه و عراق است، که هم اکنون در خیلی از موارد به هم گره خورده - اند و شاید با کمی اغماض بتوان آنها را در یک مجموعه مورد بررسی قرار داد. (روزنامه اعتماد، ۱۳۹۴: ۲)

گروهی از نظریه پردازان حتی معتقدند که جمهوری اسلامی ایران در استراتژی یعنی

رسیدن به هدف حفظ حاکمیت بشار اسد در سوریه موفق تر بوده است. داعش فرصتی فراهم کرد که ایران، آمریکا را علیه تروریسم کنار خودش بیاورد که این مسئله موفقیتی برای ایران محسوب می‌شود.

از طرفی تلاش دولت ترکیه نیز برای سهم‌خواهی در تغییرات گذار ژئوپلیتیکی، بیانگر تغییرات مهم در معادله تحولات سوریه است. تماس تلفنی رجب طیب اردوغان و ولادیمیر پوتین و تأکید بر اهمیت همکاری به منظور حل و فصل بحران سوریه از مصادیق این تلاش‌ها محسوب می‌گردد. دیگر اینکه با تشدید تنش‌های قومی و مذهبی، افزایش خطر تجزیه به خصوص در کشورهای جنگ زده یکی دیگر از تغییرات ژئوپلیتیکی است که امکان پدیدار شدن دولت‌های جدید در منطقه را می‌توان بر طبق آن پیش بینی کرد. بحران حاصل از این تغییر تقریباً تمام کشورها را درگیر خواهد کرد زیرا فرآیند دولت ملت سازی به خوبی در این منطقه طی نشده است. استقلال طلبی کردستان عراق و برگزاری همه پرسی ۲۵ سپتامبر نمونه این تنش‌های قومی و مذهبی در منطقه بوده است.

معمولاً پس از پایان بحران‌ها به خصوص بحران‌هایی از این دست که دارای ابعاد ژئوپلیتیکی هستند خلاء قدرت رخ می‌دهد. این موضوع سبب می‌شود تنش بین دولت‌ها افزایش یابد و امکان اینکه افراد تندروتر وارد عرصه سیاسی دولت‌های قدرت طلب شوند افزایش می‌یابد که در پی آن منافع ملی کشورهای خود را موسع تعریف خواهند کرد. در نتیجه پس از پایان بحران شاهد تعریف منافع جدید از سوی کشورها خواهیم بود که زمینه وقوع جنگ‌های فراگیر را فراهم خواهد کرد.

هم‌اکنون در کشورهای بحرانی عراق و سوریه یک حلقه بین‌المللی شامل آمریکا و روسیه و بازیگران فعال منطقه مثل عربستان و ترکیه و بازیگران ذی نفع که منتظر نتیجه منازعات هستند و هر کدام برای رسیدن منافع ملی خود از بحران داعش استفاده می‌کنند. (ایسنا، ۱۳۹۳)

حسن امیر عبدالهیان، معاون عربی و آفریقایی وزارت خارجه ایران معتقد است که ایران متوجه شده بود که از حدود سال ۲۰۱۳، روس‌ها قصد حضور در سوریه را دارند. وی معتقد است که تحولات اوکراین موجب شد که روس‌ها برای حفاظت از حیثیت و شرف ملی خودشان سیاست‌های خاورمیانه‌ای خود را تحرک بخشند و متحدین خود را دریابند.

عدم تعامل با ایران در سال‌های گذشته محدودیت استراتژیک برای کشورهای غربی در حل بحران‌های منطقه‌ای و سرکوب حرکت‌های تروریستی مثل داعش ایجاد کرد. این تحول کشورهای غربی را در حل بحران‌های منطقه‌ای و سرکوب حرکات تروریستی مثل داعش را ایجاد کرد. غرب پذیرفت که نمی‌توان نقش ایران را در معادلات منطقه‌ای و حتی جهانی نادیده گرفت. از این لحاظ حضور ایران در مذاکرات صلح سوریه بیشتر با موافقت امریکا و اصرار کشورهای اروپایی بر مبنای رویکرد جدید غرب به نقش ایران در دوران پسا برجام به عنوان یک کارگزار ثبات بخش برای حل این بحران است. به عبارت دیگر، اهمیت برجام بر مبنای نگاه جدید ژئوپلیتیک قدرت‌های غربی نسبت به نقش ایران در ایجاد ثبات منطقه است.

مشروعیت مخالفت عربستان با برجام در مجموعه غرب و در سطح بین‌المللی پذیرفتنی نیست. در حالی که عربستان سیاست تهاجمی در بمباران یمن و اخلاف در روند صلح سوریه از طریق حمایت از تروریست‌های تکفیری را دنبال می‌کنند، به همان اندازه مخالفت‌ها بر ضد این کشور در غرب افزایش می‌یابد. قدرت‌های جهانی با اعمال هرگونه سیاست‌های جنگ طلبانه در منطقه به خصوص به لحاظ گسترش تروریسم مخالف هستند. ژئوپلیتیک برجام حتی معادله روابط با روسیه، چین، هند و ژاپن را به نفع ایران تغییر داده است. در شرایط بهبود روابط ایران با اروپا و آمریکا این کشورها به سرعت خواهان توسعه روابط همه جانبه با ایران شده‌اند. حل معضل استراتژیک هسته‌ای و مشارکت ایران در حل مسائل منطقه‌ای از جمله بحران داعش بر اهمیت ژئوپلیتیک ایران نزد آنان افزوده است. برجام در پرتو فهم درست قدرت‌های جهانی از ضرورت پذیرش درست نقش منطقه‌ای ایران در تامین صلح و امنیت منطقه‌ای ایران و به خصوص تروریسم داعش اجرایی شد.

سیاست خارجی ایران باید از ظرفیت ژئوپلیتیک دوران پسا برجام و روابط متعادل با قدرت‌های بزرگ برای رفع تنش‌های منطقه‌ای و پیشبرد رویکردهای توسعه‌ای و رونق اقتصادی استفاده کند. رشد گروه‌های تروریستی در سال‌های گذشته در خاورمیانه نشان دهنده فصل جدیدی از مسایل امنیتی در منطقه است. (حاتمی، ۱۳۹۴: ۴۵) همچنین تغییر در اتحادهای منطقه یکی دیگر از مواردی است که باید به آن توجه ویژه شود. هنوز به پایان قطعی بحران نرسیده‌ایم که پرواز بین عربستان و تل‌آویو بحث محافل سیاسی است. وارد شدن رژیم صهیونیستی به اتحاد

کشورهای عرب خود از جمله تغییرات ژئوپلیتیکی مهم محسوب خواهد شد. براساس این تغییر دولت‌های غربی به خصوص آمریکا به هدف چندین ساله خود در منطقه دست خواهد یافت و اتحاد علیه محور مقاومت را مستحکم تر خواهد نمود. به همین سبب منطقه به دو قطبی شدن صرف پیش رفته و بحران جدیدی رقم خواهد خورد.

نتیجه گیری:

همانگونه که ذکر شد امروزه شالوده اصلی تصمیم‌های سیاسی حکومت‌ها در عرصه روابط بین‌الملل تضمین ادامه پیشرفت و توسعه اقتصادی و ارتقای سطح حکمرانی یک کشور است. بر این مبنا با شکل‌گیری این چارچوب کلی پس از جنگ سرد در بازتعریف شاخص‌های مناطق راهبردی تغییرهای مهمی حاصل شد. به شکلی که با کمرنگ شدن پیشینه ایدئولوژیک در چارچوب رقابت قدرت‌های جهانی، مناطق جدیدی در حوزه جغرافیای سیاسی جهان مانند منطقه راهبردی شناخته می‌شوند. از سوی دیگر از آنجا که الگوی رقابت‌های منطقه‌ای تا حد زیادی متأثر از چگونگی تصمیم‌های سیاسی قدرت‌های جهانی است، بنابراین الگویابی و آینده نگری رقابت بین قدرت‌های بزرگ از اهمیت زیادی برخوردار است. در این راستا همچنان که عنوان شد گسترش نفوذ قدرت‌های جهانی در به کار گرفتن سیاست‌های مناسب از سوی آنها در مناطق راهبردی جهان بستگی دارد.

داعش جریانی خشونت طلب و تندرو که در کوتاه مدت توانست به فتوحات چشمگیری دست یابد و از سوریه به عراق رفته و بخش‌هایی از سرزمین عراق را هم اشغال کند و چند سال منطقه غرب آسیا را متحمل بحران نموده است. کنترل بحران داعش در منطقه تحولات جدیدی را شکل داده است به طوریکه بسیاری معتقدند بعد از اتمام قطعی این بحران، دوران پسا داعش در منطقه آغاز خواهد شد. همچنین باید در نظر داشت که خاستگاه اندیشه این گروه در دل و بطن جوامع خاورمیانه ریشه دارد و به عقیده صاحبان نظر به محض فراهم شدن شرایط مطلوب دوباره جان تازه‌ای به خود می‌گیرد. این گروه وحشت آفرین پدیده‌ای اجتماعی بوده که بدون ریشه یابی عمیق می‌تواند در آینده بازیابی مجدد کرده و به شکل خشونت باثباتی بازتولید شود. نمونه این مساله را می‌توان از سیر طالبان به القاعده و از القاعده به داعش

و گروه‌های دیگر تروریستی که به مراتب از خاستگاه اولیه شان خشونت بارتر بوده‌اند مشاهده کرد.

همان طور که در پژوهش بالا سعی گردید به آن اشاره شود، پیامد بحران داعش به یقین منطقه غرب آسیا را در معرض تغییرات ژئوپلیتیکی قرار خواهد داد تا جایی که هر کدام از این تغییرات خود زمینه ساز بحرانی جدید در این منطقه پر التهاب خواهد شد. آنچه که از وقوع این بحران‌ها جلوگیری خواهد کرد فقط رفتار دولت‌های منطقه است.

منابع فارسی:

کتاب

- احمدی امویی، بهمن (۱۳۸۲)، اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر گام نو
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ پنجم، تهران، انتشارات قومس
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، آموزش دانش سیاسی، نشر نگاه معاصر
- برنارد کوهن، سائول (۱۳۸۷)، ژئوپلیتیک نظام جهانی، عباس کاردان (ویراستار)، انتشارات مؤسسه ابرار معاصر تهران
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مبانی ژئوپلیتیک، مشهد، انتشارات. پاپلی
- دهقانی فیروز آبادی، جلال (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات سمت
- عباسی، محمود (۱۳۹۳)، سنخ‌شناسی داعش، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال پانزدهم، شماره ۵۸
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۸)، روابط بین الملل: رویکردها و نظریه‌ها، تهران، انتشارات سمت
- گریفیت، مارتین (۱۳۸۸)، دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان، علیرضا طیب (ویراستار)، نشر نی
- مسجد جامعی، محمد (۱۳۹۵)، ایران و جهان عرب: تحولات ژئوپلیتیک ایران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، تهران
- یورگن، تودنهورف (۱۳۹۵)، ده روز با داعش از داخل دولت اسلامی، علی عبدالهی (مترجم)، انتشارات کوله پشتی

مقالات

- حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۴)، شکل‌گیری داعش در پویش جهانی شدن، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره هشتم، شماره ۳۰، تابستان، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی
- قدرت اله احمدیان، طهمورث غلامی (۱۳۸۸)، آسیای مرکزی و قفقاز، عرصه تعارض منافع

روسیه و غرب، مطالعات اوراسیای مرکزی شماره ۴، سال دوم

خبرگزاری

- بی‌نا (۱۳۹۵)، دلیل اهمیت غرب آسیا برای ایالات متحده، باشگاه خبرنگاران جوان، کد خبر

۵۸۳۲۴۸

- روزنامه اعتماد، ۱۳۹۴/۱۰/۲۱

- خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۳/۳/۱

- ظریف، محمدجواد (۱۳۹۵)، غرب آسیا یکی از صحنه‌های اصلی شکل‌گیری نظام بین-

المللی آینده است، خبرگزاری مهر، شناسه خبر ۳۸۴۷۲۸۸

- سلمان تبار، محمد (۱۳۹۶)، اعلام پایان سیطره شجره خبیثه داعش از سوی سردار سلیمانی،

وبلاگ سوت‌دهان، بازیابی شده در ۱۴ آذر ۱۳۹۶، قابل دریافت در:

<http://mfajr85.blogspot.com/1396/08/30/post-264>

English resources

- Cockburn, Patrick, (2015), **The Rise of Islamic State ISIS and the New Sunni Revolution**, London, Verso Books Press